

بررسی همکرد «دادن» در ساخت نویافته‌ای از فعل مرکب در کهن‌ترین ترجمه تورات

فاطمه قیومیان محمدی^۱

دکتر محسن محمدی فشارکی^۲

چکیده

«زبان‌شناسی تاریخی» یکی از شاخه‌های علم زبان‌شناسی است که به بررسی سیر تحول زبان می‌پردازد و به این منظور اسناد و مدارک به‌جامانده از زبان را مطالعه می‌کند. بخش بزرگ و ارزشمندی از اسناد و مدارک زبان فارسی را نسخ خطی تشکیل می‌دهد و «ترجمه فارسی تورات» (۵۱۸۷ مجلس) یکی از نسخه‌های قابل توجه و کارآمد در این حوزه و به لحاظ ویژگی‌های زبانی، سرشار از نکته‌های بکر و بدیع است. کاربرد همکرد «دادن» در ساخت خاصی از فعل مرکب، یکی از این نکته‌هاست که این نوشتار به آن پرداخته است. در ترجمه کهن تورات، همکرد «دادن» با باری از معنای دستور، تحکم و اجبار، در ترکیب با یک مصدر لازم یا متعدی، فعل مرکبی می‌سازد که معادل امروزی آن را می‌توان در قالب ساخت‌های سببی و با استفاده از ساختمان جملات مرکب وابسته با فراکرد پیرو مقصدی ساخت. با بررسی کاربرد همکرد «دادن» در این ترجمه روشن می‌شود که در گذشته این همکرد هم‌معنا با افعال سببی دستور دادن، باعث شدن و مجبور کردن نیز به کار می‌رفته است.

کلیدواژه‌ها: همکرد، دادن، فعل مرکب، دستور تاریخی زبان فارسی، ترجمه کهن تورات.

مقدمه

بدون شک زبان در طول زمان تغییر می‌پذیرد و دگرگون می‌شود. قوانین و قواعد تحول هر زبان را تنها از روی اسناد و مدارک موجود می‌توان دریافت و در این امر به حدس و گمان یا استدلال منطقی نمی‌توان تکیه کرد. برای دریافتن قواعد زبان در هر دوره، باید به صورت‌های مختلفی که در ادوار

ghayoomian.m@gmail.com

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

fesharaki311@yahoo.com

۲- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

گذشته داشته است توجه کرد تا اصل و منشأ هر نکته‌ای پدیدار شود و چگونگی تبدیل هر صورت به صورت دیگر مشخص شود. تحقیق و مطالعه در این تحول و کشف قوانینی که در این تبدیل و تحول از جهات مختلف وجود داشته است، موضوع «زبان‌شناسی تاریخی» یا «تاریخ زبان» است و مطالعه تاریخ زبان باید مبتنی بر اسناد و مدارک موجود باشد (ناتل خانلری، ۱۳۶۹: ۱/ دوازده).

ضرورت و اهمیت این علم زمانی بهتر آشکار می‌شود که بدانیم «مرز دقیقی میان زبان نوشتاری روز با زبان کهن، با همه وجوه افتراق آن‌ها، دیده نمی‌شود و کاربردهای نحوی و صرفی و لغوی دیرین، چه در نثر و چه در شعر امروز، فراوان به چشم می‌خورد. حتی در مواردی شعریت سروده‌های برخی از شاعران، جز کهنگی زبان و خروج از حیطه زبان آشنا و آشنایی زدایی از راه کاربرد کهن چیز دیگری نیست» (احمدی گیوی، ۱۳۸۴: دوازده). این نکته را نیز نمی‌شود انکار کرد که برای توصیف و ریشه‌یابی اشکال گرامری زبان امروز و برای فهم و درک بهتر آن‌ها، نیاز داریم که نسبت به گذشته زبان و پیشینه ساخت‌های دستوری آگاه باشیم تا گرفتار لغزشگاه‌های دستورنویسی و خطاهای توصیفی نشویم. «با دریافتن چگونگی تحول زبان‌های ایرانی، بسیاری از مسائل مربوط به دستور زبان فارسی امروز را می‌توان درست و روشن بازشناخت و از خطاهایی که در این تحقیق بر اثر عدم توجه به سوابق امر پیش می‌آید، پرهیز کرد» (ناتل خانلری، ۱۳۶۹: ۱/ سیزده).

«دستور تاریخی» که بخشی از علم «تاریخ زبان» یا «زبان‌شناسی تاریخی» را تشکیل می‌دهد، به طور خاص به تاریخ تحول گرامر و دستور زبان می‌پردازد (ر.ک. مهیار، ۱۳۷۶: ۱۱۴ و فرشیدورد، ۱۳۸۷: ۳۶). برای پاسداری و حفظ گنجینه بزرگ زبان و ادبیات فارسی از پرداختن به تاریخ زبان و کشف ارتباط‌های زبانی متون و آثار ادبی ناگزیر هستیم. آنان که با تصحیح نسخه آشنا هستند، ارزش این کار را بهتر درک می‌کنند؛ چراکه اذعان دارند در بسیاری از موارد، مشکلات متن خوانی و تصحیح و برگزیدن یک ضبط از میان ضبط‌های متعدد نسخه‌بدل‌ها، اگر دستور تاریخی مدونی برای زبان دوره مورد نظر موجود باشد، چندان دشوار و حل‌ناپذیر نمی‌ماند. چه بسا احاطه و اشراف نسبت به ویژگی‌های دستوری زبان فارسی در یک دوره خاص، که ذیل عنوان سبک‌شناسی هم به آن پرداخته می‌شود، سرنخی به دست می‌دهد تا ارتباط‌های زبانی و تاریخی متون و نسخ خطی را کشف کنیم. البته ارتباط زبان‌شناسی تاریخی و تصحیح و احیای نسخ خطی، رابطه‌ای دو سویه است، چراکه تکامل

تحقیقات زبان‌شناسی تاریخی نیز نیازمند احیای نسخ خطی کهن و تصحیح و بررسی دقیق و موشکافانه آن‌هاست.

مطالعه دستور تاریخی زبان فارسی و بررسی واحدهای تاریخی و جغرافیایی این زبان، از مقولاتی است که چنان که باید به‌طور منسجم و دقیق مورد توجه نبوده است. در این زمینه، جز آنچه در کتاب‌های محققانی چون ملک‌الشعراى بهار، خسرو فرشیدورد، محسن ابوالقاسمی، پرویز ناتل خانلری، حسن احمدی گیوی و تحقیقات زبان‌شناس فرانسوی، ژیلبر لازار، به آن‌ها پرداخته شده یا هرازگاهی ضمن مقاله یا یادداشتی به آن اشاره شده است، پژوهش مستقل و قابل توجهی صورت نگرفته است. در مورد سیر تاریخی فعل مرکب و همکرد دادن که موضوع این مقاله است نیز تاکنون پژوهشی انجام نشده است.

روشن است که نوشتن دستور تاریخی زبان فارسی در درجه نخست نیازمند بررسی و تحلیل زبانی اسناد و مدارک به‌جامانده از زبان است. اعم از متون نظم و نثر کهن که امروزه به‌طور چاپی در دسترس قرار دارند یا متونی که هنوز به زیور طبع آراسته نشده‌اند و همچنان به‌صورت دست‌نوشته در گوشه و کنار کتابخانه‌های دنیا چشم‌انتظار نگاه جستجوگر محققان و مصححان هستند. یکی از نسخ خطی ارزشمند زبان فارسی که به لحاظ زبانی و دستوری ویژگی‌های قابل توجه و گاه شگفتی دارد، «ترجمه فارسی تورات» است که به خاطر ارزش‌های زبانی بسیاری که دارد، منبعی خام برای علم دستور به شمار می‌رود.

این ترجمه کهن که مطابق تاریخ نسخه (۷۴۷هـ) به قرن هشتم تعلق دارد، و اگر این سال را تاریخ کتابت نسخه به شمار آوریم، قدمتی بیش از این خواهد داشت، از جهات بسیاری قابل بررسی است. واژگان این ترجمه، برخی ویژگی‌های زبانی انجیل دیاتسارون را به یاد می‌آورد؛ اما نحو جملات در مقایسه با متن دیاتسارون چندان روان و شیوا نیست و مترجم در برگردان خود گاه بیش از آنچه باید، از زبان مبدأ تأثیر گرفته است. واژگان نادر و کمیاب که بعضاً از فرهنگ‌ها فوت شده است، ساخت‌های جدید واژگانی، ویژگی‌های آوایی، ساخت‌های قابل توجهی از افعال فارسی اعم از فعل‌های مرکب، پیشوندی و ساده که در این نوشتار نیز به نمونه‌ای از آن پرداخته شده است، کاربرد

نشانه‌ها، نگاره‌ها و علائم سجاوندی^۱، همه از خصوصیات متن این ترجمه کهن تورات است که البته در حوزه زبان‌شناسی تاریخی و دستور زبان قابل بررسی است.

این نسخه را اولین بار محمدتقی دانش‌پژوه، در سال ۱۳۴۱، در نشریه راهنمای کتاب، ضمن مقاله‌ای با عنوان «ترجمه فارسی ششصد ساله تورات» معرفی کرد. وی در این مقاله از نسخه‌ای یاد کرد که کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران می‌خواسته بخرد، اما فروشنده آن با بهای معین شده موافقت نکرده و صاحب کتاب آن را با خود برگردانده است. دانش‌پژوه، به خواهش ایرج افشار، این مقاله را نگاشته و در آن، اطلاعاتی اجمالی درباره مترجم و محتویات کتاب به دست داده و بخش‌هایی از متن آن را به‌عنوان نمونه ارائه کرده است، ولی به ارزش‌های زبانی آن اشاره‌ای نکرده و تنها به این جمله اکتفا کرده است که: «سبک فارسی در این کتاب، سلاست و روانی ترجمه فارسی «چهار انجیل» موسوم به دیاتسارون را ندارد، اما برخی از لغات آن مانند «گوشتمند» در این کتاب دیده می‌شود» (دانش‌پژوه، ۱۳۴۱: ۵۸۹).

استاد جلال‌الدین همایی نیز در یکی از یادداشت‌های خود که به‌صورت تک‌برگ از او به‌جامانده، به این نسخه اشاره کرده و گفته است: «از کتب فخیمه فارسی که در اصفهان منزل حضرت آقای مجتبی روضاتی، رئیس محضر ۴۷، دیدم، ترجمه تورات از لغت عربی به زبان فارسی بود...» و چند سطر از برگ ۱۴۶ پ آن نسخه را به‌عنوان نمودار نقل کرده که عیناً همان است که در نسخه مجلس آمده است (ر.ک. یادداشت‌های پراکنده همایی، محفوظ در کتابخانه ملی). البته از نام و نشان نسخه پیداست که نسخه‌هایی که هر دو بزرگوار از آن یاد کرده‌اند یکی است. اینکه پس از عدم توافق فروشنده نسخه با کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران چه بر سر نسخه آمده است، روشن نیست؛ به‌هرروی، اصل این نسخه هم اکنون در کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود (با شماره ۵۱۸۷) و تصویر آن نیز در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است (با شماره ۲۷۶۳-ف) (ر.ک. فنخا).

در این نوشتار سعی بر این است که یکی از ویژگی‌های دستوری این متن کهن و ارزشمند را با استفاده از مفاهیم و ابزارهای موجود در علم دستورنویسی و در مقایسه با زبان فارسی امروز توصیف

۱- این مطلب در مقاله‌ای با عنوان «نقطه‌گذاری، نگاره‌ها و نشانه‌ها در نسخه خطی ترجمه فارسی تورات» مطرح و بررسی شده و در فصلنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی، س ۱، ش ۲، صص ۲۹-۵۶، به چاپ رسیده است.

و تبیین شود. ما این ویژگی را «ترکیب مصدر با همکرد^۱ «دادن»، برای ساخت فعل مرکب» می‌نامیم و از خلال شرح و توضیح این ساخت به تحول معنایی فعل «دادن» اشاره می‌کنیم؛ اما پیش از شروع بحث اصلی مقاله، همان‌طور که رسم و شیوه معهود ایجاب می‌کند، لازم است که نسخه «ترجمه فارسی تورات» به اختصار معرفی شود.

درباره نسخه خطی «ترجمه فارسی تورات»

نسخه «ترجمه فارسی تورات» قدیمی‌ترین ترجمه فارسی شناخته شده از تورات است که ترجمه آن در سال ۷۴۷ هجری قمری، در شهر تبریز به اتمام رسیده است. این کتاب را «سلیمان بن قس یوسف یعقوب میافارقانی» از زبان عربی به فارسی برگردانده است و از آنجاکه هیچ نام و نشانی از کاتب در آن موجود نیست، به نظر می‌رسد که کاتب و مترجم آن یک نفر باشد. اگرچه مترجم این نسخه شناخته شده نیست، ولی از نام او پیداست که مسیحی و پسر یک کشیش بوده و اصالتاً اهل میافارقین، شهری از دیار بکر که ظاهراً بنیاد رومی داشته (ر.ک. یاقوت حموی، ذیل میافارقین؛ حدود العالم)، بوده است. از این گذشته، در متن نسخه نیز نشانه‌هایی دال بر مسیحی بودن مترجم دیده می‌شود. به‌طور مثال از اشاره‌ای که در (۳۷ر) به شفا یافتن از صلیب در کلیسا کرده است، می‌توان دریافت که اعتقاد و میلی باطنی نسبت به مقدسات و باورهای مسیحی داشته است: «این مار نحاس کی موسی ساخت و بر چوب بلند آویخت از بهر شفای بنی اسرائیل، بمانند صلیب است که در کلیسا منصوب است که هر کی پیش صلیب آید و به دل پاک، ملتجا صلیب کند، صلیب او را از همه بلاها خلاص کند» (۳۷ر) و یا در جای دیگر، جمله «الحمد للآب المقوی و اللابن المتحنن و لروح القدس المساعد من الآن و الی کل اوان و فی کل وقت و زمان» (۱۳۱پ) را نوشته است که به صراحت، اعتقاد به تثلیث را نشان می‌دهد.

این نسخه به خط نسخ کهن و بر کاغذ سمرقندی کتابت شده است و ۱۷۲ برگ دارد و هر صفحه به‌طور متوسط مشتمل بر ۳۰ سطر است. قطع برگ‌های آن ۲۱×۱۴ سانتیمتر و اندازه جلد آن ۲۴×۱۸

۱- «همکرد فعلی است که در ترکیب با اسم یا صفت و گاهی کلمه دیگر، معنی اصلی خود را از دست می‌دهد و با معنی ثانوی و یا تنها به‌عنوان جزء ثانوی به کار می‌رود و از مجموع ترکیب، فعل مرکب پدید می‌آید» (احمدی گیوی، ۱۳۸۴: ۳۰۰).

سانتیمتر است و تنها نسخه موجود از آن، با شماره ۵۱۸۷ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود (ر.ک. وبگاه کتابخانه مجلس شورای اسلامی). تعداد قابل توجهی از برگ‌های این نسخه گم شده و بسیاری از برگ‌های آن نیز در هنگام صحافی جابه‌جا شده است. به‌عنوان نمونه، برگ ۴۵ شامل فصل‌های ۱-۳ سفر یوشع است، اما برگ ۴۶ فصل‌های ۲۲-۲۵ سفر تثئیه را شامل می‌شود و ادامه سفر یوشع در برگ ۲۱-۲۷ آمده و البته ناتمام است. چنان‌که در کتاب ذکر شده، این نسخه اسفار پنجگانه تورات را دربرداشته است، اما هیچ‌یک از صفحات سفر پیدایش در نسخه موجود نیست و آنچه از این نسخه بجا مانده است، از آیه بیست و سوم فصل دوم از سفر خروج تا پایان این سفر و نیز سفرهای لاویان، اعداد، تثئیه، یوشع، داوران، سفر اول و دوم سموئیل و اول و دوم پادشاهان را شامل می‌شود.

در مورد رسم‌الخط این نسخه باید گفت که اگرچه در پاره‌ای موارد همچون قید صله و بیان و علت (بهار، ۱۳۷۰: ۳۱۳/۱) یا حرف ربط «که» که در همه موارد به‌صورت «کی» بکار رفته است، در کل رسم‌الخط یکنواختی ندارد. سبک زبانی این نسخه که هم اکنون در دست تصحیح و تعلیق است، فارسی روان و شیوا نیست و مترجم در برگردان خود بسیار تحت تأثیر زبان مبدأ بوده است و این تأثیرپذیری در ساخت و نحو جملات و کاربرد کلماتی که می‌توان آن‌ها را معادل اجزای نحوی (بدل، مفعول مطلق، ضمیر فصل...) زبان عربی دانست، به‌وضوح مشاهده می‌شود. جابجایی اجزای جمله (فاعل، قید...)، تکرار، کاربرد جملات کوتاه، حشو و مترادفات، واژگان کهن، کمیاب و گاه نایاب که در فرهنگ‌ها ضبط نشده‌اند، برخی ساخت‌های غریب واژگانی و ویژگی‌های خاص دستوری، از جمله ویژگی‌های زبانی این متن است که هر یک در جای خود شایسته توجه و قابل بررسی است. همان‌طور که پیشتر نیز اشاره شد، این نوشتار، به بررسی و توصیف کاربرد ساخت «فعلیاری مصدر+ همکرد دادن» به‌عنوان یکی از ویژگی‌های دستوری این نسخه خواهد پرداخت. امروزه در زبان فارسی معادل دقیق و واژه به واژه‌ای برای این ساخت به کار نمی‌رود و اگر بخواهیم در فارسی امروز برای جمله‌هایی که این ساخت در آن‌ها به کار رفته است برابر و معادلی بنویسیم، جملات معادل، در قالب

ساخت‌های سببی و در ساختمان و نحو «جملات مرکب وابسته با فراکرد^۱ پیرو مقصدی» خواهند نشست؛ از این رو پیش از ورود به بحث مورد نظر، به مرور ویژگی‌های جملات مرکب وابسته با فراکرد پیرو مقصدی می‌پردازیم.

جملات مرکب وابسته با فراکرد پیرو مقصدی و ساخت معنایی دستور و درخواست

این جملات از دو گزاره فراکرد پایه و فراکرد پیرو تشکیل می‌شوند. این دو فراکرد با حروف ربط یا پیوندک‌های که، تا، تا اینکه، تا که، برای آنکه، مگر، بلکه و ... به هم می‌پیوندند. گزاره فراکرد پیرو مقصدی در این جملات با وجه التزامی بیان می‌شود، چراکه عمل مندرج در فراکرد پایه برای این اجرا می‌شود که عمل مندرج در فراکرد پیرو محقق شود. به عبارت دیگر انجام و تحقق عمل مندرج در فراکرد پیرو، در هر حال متعاقب تحقق عمل مندرج در فراکرد پایه است. انجام عمل مندرج در فراکرد پیرو در لحظه انجام عمل مندرج در فراکرد پایه، هنوز مسلم و قطعی نیست، محتمل است، ولی مورد لزوم و خواست و آرزوست. این است که باید با وجه التزامی بیان شود (شفائی، ۱۳۶۳: ۵۰۹). جمله‌های زیر، نمونه‌های ساده‌ای از «جملات مرکب وابسته با فراکرد پیرو مقصدی» هستند:

ما می‌کوشیم که زندگی ما بارور و پرثمر باشد.

دخترش را صدا کرد و نامه را به او داد که بخواند و قضاوت کند.

من نیامده‌ام اینجا که شما را رنج بدهم.

و هر چه اسکناس و برات داشت با عسل خورد تا کس دیگری از آن بهره‌مند نشود.

من همیشه صبح زود به مدرسه می‌رفتم بلکه بتوانم نیم ساعت در اتاقی خلوت به کارهایم مشغول شوم.

...

قالب جملات مرکب وابسته با فراکرد پیرو مقصدی، چنان زایا و پویا است که ساخت‌های معنایی متعددی را در بر می‌گیرد. منظور از ساخت معنایی، چارچوبی از جملات مرکب وابسته است که فعل

۱- به هر یک از دو جزء جمله مرکب که مشخصات دستوری جمله را کم و بیش از دست داده‌اند و فقط به‌طور مشروط می‌توان آن‌ها را جمله نامید، فراکرد گفته می‌شود (شفائی، ۱۳۶۳: ۲۴۹). در برابر این اصطلاح، بند (باطنی، ۱۳۸۳: ۷۴) و جمله‌واره یا نیمه‌جمله (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۱۱۶) نیز به‌کار رفته است.

فراکرد پایه در همه آن‌ها مشترک و از یک ریشه باشد. یکی از ساخت‌های معنایی رایج در این ساخت، که در این مقاله به‌طور خاص مورد نظر ماست، با کاربرد فعل «دادن» به‌عنوان فعل یا عمل مندرج در فراکرد پایه ساخته می‌شود. در این ساخت، فراکرد پیرو که همواره در وجه التزامی بیان می‌شود، می‌تواند همهٔ افعال گذرا به مفعول (متعدی) را در خود بپذیرد. فعل دادن در این چارچوب، در ورای معنای مستقل و مشهور خود (یعنی ضد «گرفتن»)، دربردارندهٔ معنای «دستور و درخواست» است. بنابراین اگر بخواهیم این ساخت معنایی را که همواره با فعل دادن ساخته می‌شود، با عنوانی خاص بنامیم، شاید عنوان «ساخت معنایی دستور و درخواست» مناسب باشد. در جملات زیر که در ساخت معنایی «دستور و درخواست» آمده‌اند، «دادن» در نقش فعل فراکرد پایه نشسته است:

«اگر صبر نیامده بود همان‌طوری که تصمیم گرفته بودم، همهٔ گوشت تن او را تکه تکه می‌کردم، می‌دادم به قصاب جلو خانهٔ ما تا به مردم بفروشد و یک تکه از گوشت رانش را می‌دادم به پیرمرد قاری که بخورد» (بوف کور).

«بعد از سخنرانی آقای ناظم، دستمال را دادم که آن عکس‌ها را پاک کند» (مدیر مدرسه).
«خلاصه این آقا معلم کاردستی کلاس پنجم، این عکس‌ها را داده به پسر آقا تا آن‌ها را روی تخته سه لایی بچسباند و دورش را سمباده بکشد و بیاورد» (مدیر مدرسه).

در ادبیات کهن فارسی، فراکرد پایهٔ جملاتی که در این ساخت معنایی می‌نشستند، با به کار بردن افعال تحکمی، نظیر «امر کردن»، «فرمودن»، «مثال دادن» یا «دستور دادن» ساخته می‌شده است. البته فراکرد پیرو تنها با وجه التزامی بیان نمی‌شده و گاه فعل فراکرد پیرو در شکل «ماضی مطلق» به کار می‌رفته است. کاربرد گونهٔ «ماضی مطلق» بجای «مضارع التزامی» در فارسی امروز هم کم‌وبیش رایج است. به این ترتیب، فراکرد پیرو در ضمن اینکه مقصد و هدف دستور را نشان می‌دهد، دربردارندهٔ وجه اخباری و معنای تحقق و وقوع فعل فراکرد پیرو نیز هست. احمد شفائی در کتاب «مبانی علمی دستور زبان فارسی» به این نکته اشاره کرده (ر.ک. شفائی، ۱۳۳۳: ۵۱۱)، ولی نسبت به این نکته که این جانشینی در فارسی امروز هم نظیر دارد، غافل مانده است. به جملهٔ زیر به‌عنوان نمونه‌ای از کاربرد «ماضی مطلق» (بجای «مضارع التزامی») در فراکرد پیرو جملات مرکب وابسته با فراکرد پیرو مقصدی، توجه کنید:

«کاغذ دعوت را هم برایش نوشتم با آب و تاب و خودش برای اداره فرهنگ داد ماشین کردند» (مدیر مدرسه).

جمله‌های زیر نیز کاربرد این گونه را در ادبیات کهن نشان می‌دهد:

«چون نامه از تکی‌ناباد برسید، مثال داد تا نسخت‌ها برداشتند و به سند و هند فرستادند» (تاریخ بیهقی).

«فریدونش فرمود تا برنشست / ببوسید و بستر رویش به دست» (شاهنامه).

«بفرمود پس تاش برداشتند / از آن بوم و بر دور بگذاشتند» (شاهنامه)

«مثال داد تا به عوض او زرگر را بر دار کردند» (کلیله و دمنه).

«و کسری بفرمود تا درهای خزاین بگشادند» (کلیله و دمنه).

«خسرو در صدر مسند شاهی بنشست و مثال داد تا منادی به جمع برآمد» (مرزبان‌نامه).

«امیرالمؤمنین فرمود تا او را به خدمت آوردند» (جوامع الحکایات).

در ادبیات کهن فارسی، گاه فراکرد پیرو مقصدی، بجای اینکه با وجه التزامی یا اخباری (ماضی مطلق) بیاید، در یک مصدر خلاصه می‌شده است. در چنین مواردی مصدر با مضارع التزامی هم معنا است:

خداوند دستوری دهد که بنده، علی، امروز نزدیک بنده باشد و دیگر بندگان که با وی‌اند که بنده مثال داده است شوربائی ساختن (بیهقی، ۱۳۷۳: ۱ / ۴۹).

دستوری داده بودیم رفتن را و برفت و آن کارها مانده است (همان: ۱ / ۷۱).

و ایشان را دستوری داد به شفاعت کردن در هر بابی و سخن فراختر بگفتن (همان: ۱ / ۱۶۱).

و بو الفتح حاتمی را خداوند مثال داد به دیوان آوردن به روزگار امیر محمود، چه چاکرزاده خداوند است (همان: ۱ / ۱۹۴).

«یکی نامه فرمود پس شهریار / نوشتن بر رستم نامدار» (شاهنامه).

در فارسی امروز جملاتی نظیر: برای دیدن تو آمدم و به قصد تحصیل به دانشگاه آمده‌ام، جملاتی کاملاً عادی هستند و این نشان می‌دهد که مصدر می‌تواند برای بیان مقصد عمل مشروح در فعل به

کار رود؛ بنابراین می‌توان گفت که مصدر و مضارع التزامی مترادف صرفی یکدیگر هستند (شفائی، ۱۳۶۳: ۵۰۹).

نکته دیگری که در مورد این نوع جملات باید گفت، این است که امروزه در این دسته از جملات مرکب وابسته با فراکرد پیرو مقصدی، فراکرد پیرو، تنها با کاربرد فعل‌های گذرا به مفعول (متعدی) ساخته می‌شود و افعال ناگذر در این ساخت معنایی قرار نمی‌گیرند. به‌عنوان مثال می‌گوییم:

پدر نامه را داد تا علی بخواند/ ببیند/ بنویسد/ ...

آقای جعفری ماشینش را داد تا احمد تعمیر کند/ گل بزند/ براند/ ...

دادم کتاب را جلد کنند/ بخوانند/ بنویسند/ ...

می‌بینیم که تنها افعال گذرا می‌توانند به‌جای فعل فراکرد پیرو بنشینند و این اقتضای فعل «دادن» است که در فراکرد پایه می‌آید. چنان که در ساختمان جملات مرکب وابسته با فراکرد پیرو مقصدی، فعل فراکرد پایه مسبب و باعث فعل فراکرد پیرو است، در این جملات نیز فعل «دادن» موجب و مسبب فعل فراکرد پیرو است؛ یعنی فاعل فراکرد پایه با انجام فعل «دادن» موجب شده است که فاعل فراکرد پیرو، فعل مندرج در آن فراکرد را محقق کند؛ به‌این ترتیب فاعل فراکرد پایه را می‌توان «فاعل سببی» فعل فراکرد پیرو نامید.

ساخت معنایی «دستور و درخواست» (یا «تحکم و ایجاب») در ترجمه کهن تورات

ساخت معنایی «دستور و درخواست» در ترجمه کهن تورات، بیشتر رنگ تحکم و اجبار دارد. این ساخت معنایی در این متن، گاه در ساختمان جمله مرکب وابسته با فراکرد پیرو مقصدی آمده است. به این صورت که فعل‌های سببی «دستور دادن» و «فرمودن» به‌عنوان فعل فراکرد پایه به کار رفته و فعل فراکرد پیرو نیز به‌صورت مضارع التزامی آمده یا به مصدر تأویل شده است. البته این‌گونه جملات اگرچه در این متن یافت می‌شود، نمونه‌های زیادی ندارد:

یا برادر، می‌خواهم از تو کی به من دستور دهی کی بروم و بینم برادران من (۷۵پ).

بگو به پدر تو کی دستور ده به تامر، خوهر من، کی به پیش من آید و ما را بخوراند و تیمار کند و بسازد از بهر من زلویا کی بخورم از آنچه او بسازد (۸۶ر).

گفت هدد به فرعون کی دستور بده به من به رفتن من به ملک من و بلاد من (۴پ).

و بعد از خوردن چاشمت، می‌فرمود کی او را نان و طعام بدهند دیگر، بعد از خوردن او با ملک (۱۷۱ر).

نکته قابل توجهی که در این نوشتار مورد نظر است، این است که ساخت معنایی «دستور و درخواست» یا «تحکم و ایجاب» در ترجمه کهن تورات، بیشتر در قالب یک جمله ساده شکل می‌گیرد، در حالی که این ساخت معنایی را امروز با کاربرد افعال سببی و در قالب جملات مرکب می‌توان ساخت. فعل «دادن» که امروزه در ساخت معنایی دستور و درخواست، نقش فعل فراکرد پایه را دارد، در ترجمه کهن تورات با ترکیب با فعل فراکرد پیرو، فعل مرکب می‌سازد. به این ترتیب فعل «دادن» در نقش همکرد در کنار مصدر فعل می‌نشیند و معنای «دستور دادن، باعث شدن و مجبور کردن» را می‌رساند. پیش از بررسی و توصیف ساخت «فعل یار مصدر + همکرد دادن = فعل مرکب»، به خاطر تازگی و حساسیت موضوع، همه جملاتی که این ساخت در آنها به کار رفته است نقل می‌شوند تا خوانندگانی که این نوشتار را از نظر می‌گذرانند به جملات کامل دسترسی داشته باشند:

۱. مجموع دمیدن داد خدای، تعالی، باد عظیم، باد سموم بر تمامت زمین (۵۷ر).
۲. منهزم و شکسته خواهید بودن و قتل شوید، از بهر آنکه خدای، تعالی، بر شما غضب کردن دادید (۴۳پ)
۳. برخاست بلعام بامداد و زین کردن داد بهیمة خود و رفت با عظاما[ی] مواب (۳۸ر).
۴. و خوراندیشان را (۳۹پ) از غله مزارع و مکیدن دادیش شیر و عسل از سنگ و روغن از سنگ طران.
۵. و به سخره گیرد چهارپایان شما و بر ایشان کار کردن دهد، کار خود (۶۸پ).
۶. بانگ زدن داد شاوول به شافور در مجموع شعب و گفت کی بشنوند مجموع بنی اسرائیل و مجموع قبایل عبرانین کی شاوول شکست عهد فلسطین و اسرائیل بر ایشان ظفر یافت (۷۰پ).
۷. گفت یک مرد از شعب به یونانان کی پدر تو بر شعب قسم نهاد و گفت ملعون باشد هر کی امروز چیزی خورد. شعب به جوع مجاهده نمودن داد (۷۱پ).
۸. بریدن داد شمویل اغاغ را پاره‌ها قدام الله، الرب، به جلجال (۷۲پ).

۹. گفت شمویل به ایشای: «بفرسد و او را آوردن ده پیش من کی من نروم تا او پیش من نیاید». فرستاد و داوود را آوردن داد (۷۳ر).
۱۰. بانگ زدن داد شاوول به مجموع شعب و خواندشان را (۷۶پ) به رفتن بر قعیلا به جنگ کی حصار کنند داوود را و هرکی با اوست.
۱۱. فرستاد سلیمان و آوردن داد حیرام بن صور (۱۵۲پ).
۱۲. و مصاغ کردن داد دو گوساله از زر سرخ و گفت به مجموع شعب آل اسرائیل: «دور شود بر شما رفتن به اوراشلیم». و گفت کی اینان باشد خدایگان تو یا اسرائیل کی تو را بیرون آوردند از مصر (۶ر).
۱۳. و بزند الله، الرب، تعالی، آل اسرائیل آنچه آنچنان کی بجنبند درخت از برابر باد و برکند نسل اسرائیل از زمین صالح. و بردارد ایشان را. و به غارت کردن دهد ایشان را و بردن دهد ایشان را از پس نهر فرات، از بهر آنکی استندند اصنام و مسخض کردند الله، تعالی (۷پ).
۱۴. و ملک شد بر بنی اسرائیل سالها و کرد خطایا و آثم امام الله، تعالی و شد در طریق یوربفام بن نابط، پدر او و به خطایا و افعال بد او. و خطا کردن داد بنی اسرائیل را نیز با خود (۸پ).
۱۵. و نگذاشت از آل یوربفام هیچ آفریده که قتل نکردش. آنچه آنچنان که الله، الرب، تعالی، فرمود و گفت بر زفان احیا نبی، بنده او الشیلوی از بهر آل یوربفام بن نابط و بر خطایا کی کرد و خطا کردن داد بنی اسرائیل (۸پ).
۱۶. و کرد کردار بد و سوء و نجاست امام الله، الرب، تعالی و رفت به رفتار یوربفام بن نابط و خطایا کی کرد و کردن داد بنی اسرائیل را نیز (۸پ).
۱۷. فرمود بر بغشا، بر زفان یا هو نبی الله، تعالی، به جمیع خطایا اله، پسر او، ایشان کی خطا کردند و خطا کردن داد مجموع بنی اسرائیل را با خود کی مسخض الله، تعالی، شوند به بد افعالشان پلید (۹ر).
۱۸. رفت در جمیع سبل یوربفام بن نابط و خطای او کی خطا کردن داد بنی اسرائیل را کی عاصی شوند بر حضرت و فرمان خدای، تعالی، اله اسرائیل، به انداد ایشان (۹ر).
۱۹. و عمارت کرد صخور مذبح به اسم الله، الرب و کاویدن داد خندق گرد او، عمق یک نیزه و حول مذبح (۱۰پ).

۲۰. گرفتند مجموع انبیای بعلا، صنم را و بزیر بردند ایشان را به وادی قیشون و ذبح کردن داد ایشان را آنجا (۱۱ر).
۲۱. رفت به خطایا یوربفام بن ناباط کی خطا کرد و کردن داد بنی اسرائیل را نیز و نگردید ازیشان (۱۶پ).
۲۲. فرستاد ملک اسرائیل به اینجایگه کی حذر کردن دادیش نبی الله، تعالی، ازو و گفت با او کی آنجا نرود باری و نا دو بار (۱۶۲پ).
۲۳. رفت به خطایا[ی] یوربفام بن ناباط کی خطا کردن داد آل اسرائیل و از خطایا[ی] یوربفام نمی گردید و قوی شد غضب الله، تعالی، بر بنی اسرائیل (۱۵۹پ).
۲۴. اما [بیدار نشد] (۱۵۹پ) از خطایا یوربفام بن ناباط کی خطا کردن داد بنی اسرائیل و رفتند بر آن خطایا.
۲۵. و بیدار نشد از کردار خطایا[ی] یوربفام بن ناباط و کرد و خطا کردن داد بنی اسرائیل نیز (۱۶۱پ).
۲۶. و نگردید از کردار و خطایا[ی] یوربفام بن ناباط کی خطا کردن داد بنی اسرائیل را (۱۶۱پ).
۲۷. از سبب آنکه خطا کردن داد آل یهودا را امام الله، الرب، تعالی، به عبادت اوئان و سایر قصص منشی، ملک یهودا و آنچه کرد و خطایا کی کرد و خطا کردن داد آل یهودا، همه نوشته است در سفر بریامین (۱۶۸پ).
۲۸. و خواندن داد بر ایشان سفر توریت مقدس و مجموع آیات و فرموده الله، الرب، تعالی، اله اسرائیل (۱۶۹ر).
۲۹. و مذابح کی عمارت کردشان را منشی در حجره بیت الله، تعالی، برکنندن دادش ملک و بردش از آنجا و انداخت خاکشان په وادی قدرون (۱۶۹پ).
۳۰. ناگاه نگاه کرد و دید قبور مردم در جبل. فرستاد و آوردن داد استوخانهایشان را از گور ایشان و همه سوزانید به آتش بال[ی] مذبح (۱۶۹پ).
- در فارسی امروز برای برخی از این جملات می‌توان با استفاده از فعل دادن و در قالب جمله مرکب وابسته با فراکرد پیرو مقصدی، معادل‌های معنایی نوشت:

بزیر آمد وحی الله، تعالی، بر بلعام به شب و گفت با او: «اگر این قوم پیش تو آمدند که تو را بخوانند، برخیز و با ایشان برو. بل نبادا بکنی بغیر از آنکه من با تو بگویم». برخاست بلعام بامداد و زین کردن داد بهیمه خود و رفت با عظما[ی] مواب و عظیم شد غضب الله، تعالی، بر بلعام از سبب رفتن او با ایشان (۳۸).

در این جمله، مصدر «زین کردن» فعل یار همکرد «دادن» است. با توجه به اینکه این مصدر متعدی است، با کاربرد فعل دادن، می توان برای این جمله معادل نوشت. در معادل این جمله، «دادن» فعل فراکرد پایه است و «زین کردن» فعل فراکرد پیرو:

بلعام صبح زود برخاست و اسب خود را داد تا زین کنند.

در این جمله «دادن» ضمن اینکه معنای نقیض «گرفتن» دارد، مفهوم «دستور دادن» را هم می رساند. اگر بخواهیم معنای پنهان دادن را در این جمله لحاظ کنیم و اجزای محذوف آن را بازگردانیم، جمله به این صورت خواهد بود:

بلعام صبح زود برخاست و اسب خود را [به خدمتکاران] داد [و به آنها دستور داد] تا [آن را] زین کنند.

به طور کلی هرگاه فعل دادن در جملات مرکب وابسته با فراکرد پیرو مقصدی، به عنوان فعل فراکرد پایه بنشیند، در ورای معنای مشهور خود مفهومی از «دستور و درخواست» را می رساند. و این نکته همان طور که در جمله زیر نشان داده شده است، در فارسی امروز هم مصداق دارد:

آقای جعفری ماشینش را داد تا احمد تعمیر کند = آقای جعفری ماشینش

را به احمد داد [و از او خواست] تا [آن را] تعمیر کند.

تا اینجا به جملاتی پرداختیم که در فارسی امروز معادل معنایی آنها را می توان با کاربرد فعل «دادن» به عنوان فعل فراکرد پایه، ساخت. اگر به جمله هایی که از ترجمه تورات نقل شد، توجه شود، روشن است که افعال زین کردن، مکیدن، بریدن، غارت کردن، بردن، ذبح کردن، خواندن و برکندن، که همگی متعدی و گذرا به مفعول هستند، می توانند در جمله هایی که فراکرد پایه آنها با فعل «دادن» ساخته شده، به عنوان فعل فراکرد پیرو بنشینند. اما اگر مصدری که به عنوان فعل یار در کنار همکرد

دادن می‌نشیند، ناگذرا یا لازم باشد، در فارسی امروز نمی‌توان برای آن جمله معادلی پیدا کرد که با استفاده از فعل «دادن» ساخته شده باشد. به‌عنوان مثال به نمونه زیر اشاره می‌شود:

و خبر کرد موسی بنی اسرائیل را مجموع این اقاویل و نشست
شعب در حزن عظیم و برخاستند بامداد و بالا رفتند به کوه و گفتند که
ما می‌رویم به جای که خدای، تعالی، فرموده است و معترف شویم به
گناه ما. گفت به ایشان موسی که چرا متعدی شدید بر آنچه به شما
فرموده بود خدای، تعالی؟ بدانید که فیروز نخواهید بودن و مراد شما
تمام نشود. بالا مروید که خدای، تعالی، با شما نیست، که اعدای شما
بر شما فیروز شوند؛ از بهر آنکه برابر شما کنعانیانند و عمالقیانند. اگر
بالا روید، منهزم و شکسته خواهید بودند و قتل شوید، از بهر آنکه
خدای، تعالی، بر شما غضب کردن دادید و باز گردیدید از قول او، از بهر
آن، خدای، تعالی، با شما نباشد (۴۳پ).

«غضب کردن» یک فعل لازم است و در ترکیب با همکرد «دادن» فعل مرکبی به معنای «به خشم آوردن» ساخته که متعدی و گذرا به مفعول است. همان‌طور که از جمله و ارتباط آن با دیگر جملات برمی‌آید، «دادن» در اینجا به معنای «باعث شدن» به کار رفته است. بنا بر این و از آنجا که امروز فعل «دادن» را به این معنا به کار نمی‌بریم، در فارسی امروز نمی‌توانیم با استفاده از فعل «دادن» معادلی برای این جمله بنویسیم و معادل آن چنین خواهد بود:

... کشته خواهید شد، چون باعث شدید (=کاری کردید) که خدای

-تعالی- بر شما غضب کند.

این مطلب را از منظری دیگر و با استفاده از تعریف ساخت‌های سببی نیز می‌توان تبیین کرد. ساخت‌های سببی که در هر زبان نظایر آن‌ها دیده می‌شود، مجموعه جملاتی هستند که در آن شخصی، حادثه‌ای یا پدیده‌ای (=سبب)، محرک و انگیزه‌ای شود تا شخص یا شیء دیگری (=مسبب) عملی را انجام دهد، پذیرای حالتی شود یا در حالتی باقی بماند (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۹). ساخت‌های سببی در زبان فارسی به دو دسته ساده و مرکب تقسیم می‌شوند. ساخت سببی ساده ساختی است که در آن عمل سببی و پیامد آن مجموعاً به‌صورت یک جمله منفرد و ساده بیان می‌شود (همان: ۴۸)،

ولی ساخت سببی مرکب که در این مقاله مورد نظر است، به وسیله دسته‌ای از فعل‌های سببی ساخته می‌شود که به یک جمله متمم نیاز دارند و ساختی که آن فعل در آن ظاهر می‌شود، همیشه یک جمله پایه و یک جمله پیرو دارد (همان: ۲۰). این فعل‌ها را فعل‌های سببی مرکب می‌گویند که به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱- فعل‌های سببی با معنای ضمنی مثبت (=باعث شدن، گذاشتن، وادار کردن و مجبور کردن)، ۲- فعل‌های سببی با معنای ضمنی منفی (=جلوگیری کردن، بازداشتن) و ۳- فعل‌های سببی فاقد معنای ضمنی (=گفتن، خواهش کردن، اجازه دادن، نصیحت کردن و دستور دادن). در ترجمه کهن تورات، هم‌کرد «دادن» هم‌معنا با فعل‌های سببی مرکبی به کار رفته است که یا معنای ضمنی مثبت دارند (باعث شدن و مجبور کردن) یا فاقد معنای ضمنی هستند (خواهش کردن و دستور دادن). نمونه‌های کاربرد هم‌کرد «دادن» در ترجمه تورات نشان می‌دهد که این فعل در جایی از زمان و مکان، با باری از معنای سببی به کار می‌رفته است.

این شکل کاربرد فعل «دادن» و کارکردهای مشابه، در ترجمه کهن تورات نظایر متعددی دارد که جملات کامل آن‌ها پیشتر ارائه شد. در جدول زیر، ساخت هر فعل مرکب، بسامد تکرار آن در متن ترجمه تورات، جمله‌ای که در آن به کار رفته و معادل امروزی آن جمله، نشان داده شده است. سطرهای رنگی، افعالی را نشان می‌دهد که معادل امروزی جمله آن‌ها را با کاربرد فعل «دادن» به‌عنوان فعل فراکرد پایه، می‌توان ساخت.

جدول ۱

ردیف	فعلیاری	فعل مرکب (فعلیاری+هم‌کرد)	بسامد کاربرد	نمونه جملات	معنا و معادل امروزی
۱	دمیدن	دمیدن دادن	۱	دمیدن داد خدای، تعالی، باد عظیم، باد سموم، بر تمامت زمین.	خدای، تعالی، به باد عظیم فرمان داد که بر تمامت زمین بدمد.
۲	غضب کردن	غضب کردن دادن	۱	قتل شوید از بهر آنکی خدای، تعالی، بر شما غضب کردن دادید.	- کشته شوید برای آنکه باعث شدید که خدای تعالی بر شما غضب کند.
۳	زین کردن	زین کردن دادن	۱	برخواست بلعام و زین کردن داد بهیمه خود.	- بلعام برخاست و بهیمه خود را داد که زین کنند.

ادامه جدول ۱

ردیف	فعلیاری	فعل مرکب (فعلیاری+همکرد)	بسامد کاربرد	نمونه جملات	معنا و معادل امروزی
۴	مکیدن	مکیدن دادن	۱	سو مکیدن دادیش شیر و عسل از سنگ.	سو [خداوند] از سنگ شیر و عسل دادش که بمکد.
۵	کار کردن	کار کردن دادن	۱	به سخره گیرد چهارپایان شما و بر ایشان کار کردن دهد، کار خود.	- چهارپایان شما را به بیگاری می کشد و آنها را به انجام کارهایش مجبور می کند.
۶	مجاهده نمودن	مجاهده نمودن دادن	۱	-[پدر تو] شعب به جوع مجاهده نمودن داد.	-پدر تو شعب را مجبور کرد که به جوع مجاهده کنند.
۷	بریدن	بریدن دادن	۱	-بریدن داد شمویل اغاغ ^۱ را پاره‌ها قدام الله، الرب، به جلجال.	-شمویل اغاغ را داد که به پاره‌ها ... ببرند.
۸	آوردن	آوردن دادن	۴	- بفرسد و او را آوردن ده پیش من. -فرستاد و داوود را آوردن داد. - فرستاد سلیمان و آوردن داد حیرام بن صور. -فرستاد و آوردن داد استخوان‌هایشان را از گور ایشان.	-کسی/کسانی را بفرست و دستور بده که او را پیش من بیاورد/بیاورند. - کسی یا کسانی را فرستاد و دستور داد که داوود را بیاورند. -سلیمان کسی/کسانی را فرستاد و دستور داد که حیرام بن صور را بیاورد/بیاورند. -کسی/کسانی را فرستاد و دستور داد که استخوان‌هایشان را از گور ایشان بیاورند.

۱- اغاغ: اسم خاص است.

ادامه جدول ۱

ردیف	فعلیاری	فعل مرکب (فعلیاری+همکرد)	بسامد کاربرد	نمونه جملات	معنا و معادل امروزی
۹	بانگ زدن	بانگ زدن دادن	۲	-بانگ زدن داد شاوول به مجموع شعب. -بانگ زدن داد شاوول به شافور در مجموع شعب.	-شاوول به کسی / کسانی دستور داد که به مجموع شعب بانگ زنند (= مجموع شعب را آگاه کنند). -شاوول دستور داد که در مجموع شعب با شافور بانگ زنند.
۱۰	مصاغ کردن	مصاغ کردن دادن	۱	-و مصاغ کردن داد دو گوساله از زر سرخ.	-و دستور داد که دو گوساله از زر سرخ مصاغ کنند (=) بسازند).
۱۱	غارت کردن	به غارت کردن دادن	۱	-و به غارت کردن دهد ایشان را.	-و [خداوند] ایشان را [به دشمنانشان] بدهد که غارت کنند.
۱۲	بردن	بردن دادن	۱	-و بردن دهد ایشان را از پس نهر فرات.	- و [خداوند] ایشان را [به دشمنانشان] بدهد که از پس نهر فرات ببرند.
۱۳	خطا کردن	خطا کردن دادن	۱۲	-خطا کردن داد مجموع بنی اسرائیل را با خود.	-باعث شد که مجموع بنی اسرائیل با او خطا کنند./ مجموع بنی اسرائیل را مجبور کرد که با او خطا کنند.
۱۴	کاویدن	کاویدن دادن	۱	-و عمارت کرد صخور مذیح... و کاویدن داد خندق گرد او.	-... و دستور داد که گرد مذبح خندق بکاوند (= حفر کنند)/ بکنند).

ادامه جدول ۱

ردیف	فعلیاری	فعل مرکب (فعلیاری+همکرد)	بسامد کاربرد	نمونه جملات	معنا و معادل امروزی
۱۵	ذبح کردن	ذبح کردن دادن	۱	و ذبح کردن داد ایشان را آنجا.	و ایشان را داد که آنجا ذبح کنند. و دستور داد که ایشان را آنجا ذبح کنند.
۱۶	حذر کردن	حذر کردن دادن	۱	فرستاد ملک اسرائیل به این جایگه کی حذر کردن دادیش نبی‌الله، تعالی، ازو.	ملک اسرائیل فرستاد به این جایگه که نبی‌الله تعالی به او دستور داد که از آن حذر کند.
۱۷	خواندن	خواندن دادن	۱	و خواندن داد بر ایشان سفر تورات مقدس.	و سفر تورات مقدس را داد که بر ایشان بخوانند. و دستور داد که سفر تورات مقدس را بر ایشان بخوانند.
۱۸	برکنند	برکنند دادن	۱	و مذایح کی عمارت کردشان... برکنند دادش ملک.	و ملک مذایح را داد که برکنند. و ملک دستور داد که مذایح را برکنند (=خراب کنند).
			جمع: ۳۳		

با بررسی آنچه در جدول بالا نشان داده شده است، روشن می‌شود که تنها در مواردی می‌توانیم در برابر جملات ترجمه تورات، با کاربرد فعل «دادن» معادل امروزی قرار دهیم که فعل «دادن» را در جمله ترجمه تورات، بتوان به معنای امروزی‌اش دانست؛ یعنی همان فعل دادن مشهور که فعلی سببی و دو مفعولی است و در مقابل «گرفتن» به کار می‌رود. در چنین مواردی مفعول فعل «دادن» در فراکرد پایه با مفعول فعل فراکرد پیرو یکی است. البته در ترجمه کهن تورات می‌بینیم که نه تنها افعال متعدی می‌توانند به‌عنوان فعلیاری در کنار همکرد «دادن» بنشینند که افعال لازم نیز همین قابلیت را دارند. افعال خطاکردن، دمیدن، غضب کردن، کار کردن، بانگ زدن، مجاهده نمودن و حذر کردن اگرچه لازم و یا

حتی مرکب به شمار می‌روند، می‌توانند به‌عنوان «فعلیاری» در کنار همکرد «دادن» بنشینند و فعل مرکب جدیدی بسازند.

فعل «دادن» یکی از همکردهای رایج در زبان فارسی است که امروزه در معانی متعدد و گوناگونی به کار می‌رود. معانی آشامانیدن (در ترکیب: آب دادن)، بخشیدن (شفا دادن)، برآوردن (کام دادن)، برآوردن (میوه دادن)، خوراندن (غذا دادن)، رهاکردن (تیز دادن)، فرستادن (نامه دادن)، کردن (گوش دادن)، گرفتن (بوسه دادن)، گزاردن (خبر دادن)، گفتن (جواب دادن)، گستردن (آفتاب دادن)، نمودن (نشان دادن)، نهادن (لقب دادن)، ... (ر.ک. لغت‌نامه) از جمله معانی این همکرد هستند که در فارسی امروز رایج و مشهورند. امروز زمانی که فعل «دادن» در ساخت معنایی «دستور و درخواست» و در قالب جملات مرکب وابسته با فراکرد پیرو مقصدی به کار می‌رود، ضمن اینکه معنای اصلی «دادن» سببی (دو مفعولی) خود را دارد، در بطن خود، معنایی از درخواست، دستور، ایجاب و گاه حتی اجبار را نیز می‌رساند و این همان ویژگی پنهانی است که فعل دادن از گذشته‌های دور، با خود به امروز کشانده است. اینکه امروز نمی‌توانیم برای همه جملات ترجمه تورات، معادلی در فارسی امروز بیابیم که با استفاده از فعل «دادن» ساخته شده باشد، از این جهت است که بخشی از معانی دیروز این فعل را به فراموشی سپرده‌ایم.

نتیجه

ساخت معنایی دستور و درخواست که امروز آن را در قالب جملات مرکب وابسته با فراکرد پیرو مقصدی و با کاربرد فعل «دادن» به‌عنوان فعل فراکرد پایه می‌سازیم، در ترجمه کهن تورات به شکل خاصی بیان شده است. در این ترجمه همکرد «دادن» در ترکیب با یک مصدر لازم یا متعدی، فعل مرکبی ساخته است که معنای دستور و درخواست یا مفهومی از تحکم و ایجاب را بیان می‌کند. فعل «دادن» در این ترکیب، یکی از معانی «دستور دادن، باعث شدن یا مجبور کردن» را می‌گیرد. مصدری که به‌عنوان فعلیاری پیش از همکرد «دادن» به کار می‌رفته است، سلف دستوری مضارع التزامی است که امروز در ساخت فراکرد پیرو مقصدی شاهد آن هستیم.

امروز برای ساختن معادل‌های معنایی جملات ترجمه تورات، از ساختمان جمله مرکب وابسته با فراکرد پیرو مقصدی استفاده می‌کنیم، اما فعل فراکرد پایه متناسب با جمله دگرگون می‌شود؛ یعنی به

یکی از سه فعل دستور دادن، مجبور کردن و باعث شدن، تبدیل می‌شود؛ به عبارت دیگر این سه فعل معانی فراموش شده «دادن» هستند و اگر فعل «دادن» معنای گذشته خود را حفظ کرده بود، برای معادل نویسی همه جملات می‌توانستیم فعل «دادن» را به‌عنوان فعل فراکرد پایه در جمله بنشانیم. از آنجاکه نظیر این نوع کاربرد در متون و منابع دیگر دیده نشده است، این احتمال وجود دارد که این ساخت مخصوص، یک ویژگی زبانی محلی مربوط به منطقه نگارش این ترجمه باشد؛ اما با توجه به سرنخ‌هایی که از این نوع ساخت در زبان فارسی امروز وجود دارد، به نظر می‌رسد بتوان این مسئله را در گستره تاریخ زبان فارسی نیز بررسی کرد.

کتابنامه

- احمدی گیوی، حسن. (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی فعل*. چاپ اول، تهران: قطره.
- آل احمد، جلال. (۱۳۵۷). *مدیر مدرسه*. تهران: امیرکبیر.
- باطنی، محمدرضا. (۱۳۸۳). *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۷۰). *سبک‌شناسی (تاریخ تطور نثر فارسی)*، ج ۱. تهران: امیرکبیر.
- بی‌هی، ابوالفضل محمد بن حسین. (۱۳۷۳). *تاریخ بی‌هی*. به کوشش خلیل خطیب رهبر. تهران: مهتاب.
- ترجمه فارسی تورات. ترجمه سلیمان بن قس یوسف یعقوب میافارقانی. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی. شماره ۵۱۸۷. ۷۴۷ هـ ق.
- حدود العالم من المشرق الی المغرب. (۱۳۴۰). به کوشش منوچهر ستوده. تهران: دانشگاه تهران.
- دانش پژوه، محمدتقی. (۱۳۴۱). «ترجمه فارسی ششصد ساله تورات». *راهنمای کتاب*. س ۵ (۱۳۴۱). ش ۷. ص ۵۸۹.
- دبیرمقدم، محمد. (۱۳۹۲). «ساخت‌های سببی در زبان فارسی». در *مجموعه مقالات پژوهش‌های زبان‌شناختی فارسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۳۰). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- شفائی، احمد. (۱۳۶۳). *مبانی علمی دستور زبان فارسی*. چاپ اول. تهران: مؤسسه انتشارات نون.
- عوفی، محمد بن محمد. (۱۳۳۵). *جوامع الحکایات و لوامع الروایات*. تهران: دانشگاه تهران.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۴۵). *شاهنامه*. به تصحیح ژول مول. تهران: کتاب‌های جیبی.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۲). *دستور مفصل امروز بر پایه زبانشناسی جدید*. تهران: سخن.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۷). *دستور مختصر زبان فارسی*. چاپ اول، تهران: زوار.

فهرستگان نسخ خطی ایران (فنخا). (۱۳۹۱). به کوشش مصطفی درایتی، ج ۹. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

کلیده و دمنه. (۱۳۷۲). ترجمه نصرالله منشی. تهران: جامی.

مرزبان بن رستم. (۱۳۶۶). مرزبان نامه. ترجمه سعد الدین وراوینی. تهران: صفی علیشاه.

مهیاری، محمد. (۱۳۷۶). فرهنگ دستوری. چاپ اول، تهران: میترا.

ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۶۹). تاریخ زبان فارسی. جلد ۱. چاپ چهارم. تهران: نشر نو.

وبگاه کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی به نشانی:

http://dlib.ical.ir/faces/search/bibliographic/biblioFullView.jspx?_afPfm=-h158f202y

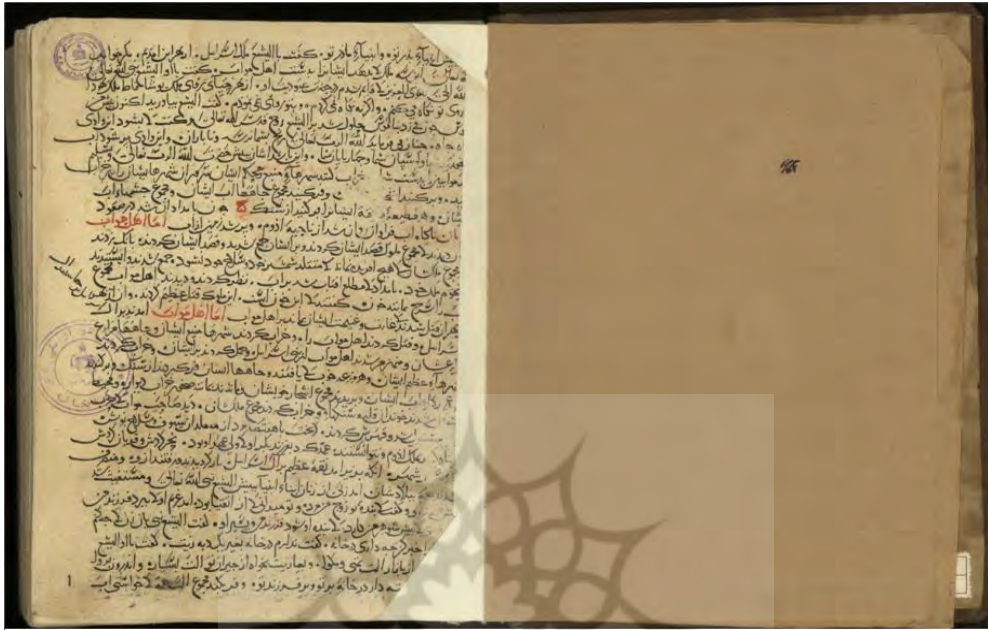
هدایت، صادق. (۱۳۴۴). بوف کور. تهران: پرستو.

همایی، جلال الدین. (۴). یادداشت های پراکنده همایی. نسخه محفوظ در کتابخانه ملی. مجموعه جلال همایی.

یاقوت حموی، شهاب الدین ابی عبدالله. (۱۳۷۶هـ/ ۱۹۷۵ م). معجم البلدان. ج ۵. بیروت: دار الصادر.



تصویر برگ اول و آخر نسخه «ترجمه تورات»:





پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی